

میرزا ابو طالب فندرسکی، عالم و ادیب پرکار صفویہ

مؤلف: علیرضا عبدالہی کچوسنگی

چکیدہ:

آنچه باعث شد تا این مقالہ نوشتہ شود ابہامات و تناقضاتی است کہ در مورد زندگی و آثار میرزا ابوطالب فندرسکی در منابع تاریخ ادبیات ما وجود دارد. در این مقالہ ابتدا بہ نسب خانوادگی میرزا ابوطالب کہ جای بحث و تأمل داشت پرداختہ ایم و زوایایی از زندگی او را با توجہ بہ نکاتی کہ در آثارش موجود است، آشکار کردہ ایم و بعد فہرست تقریباً کاملی از آثار و تالیفات او کہ در منابع مختلف بہ صورت ناقص و پراکنده ذکر شدہ بود و یا آثاری کہ در هیچ منبعی تا کنون ذکر شدہ است، بیان کردہ ایم.

کلید واژه: میرزا ابوطالب فندرسکی - نسب نامہ - آثار و تالیفات

میرزا ابوطالب فندرسکی، عالم و ادیب پرکار صفویه

به واقع میرزا ابوطالب فندرسکی^۱ کیست و آثار او چیست؟

اگر به تذکره‌ها، تراجم و کتب رجال نظری بیفکنیم در معرفی این عالم دوره صفویه و آثار او، اقوال و عباراتی متفاوت و گاه متناقضی می‌بینیم.

قدیمترین منبع در معرفی این شخصیت، کتاب ریاض العلمای میرزا عبدالله افندی (۱۰۶۶-۱۱۳۰ ق) است که او را نوه میرزا ابوالقاسم فندرسکی (م ۱۰۵۰) فیلسوف و حکیم مشهور همعصر شاه عباس صفوی معرفی میکند.^۲

پس از آن در تذکره خلاصه الکلام از علی ابراهیم‌خان بنارسی، متخلص به خلیل (۱۱۹۸ ق) آمده است: «سید ابوطالب فندرسکی اصفهانی، همشیره زاده فاضل البازل میرزا ابوالقاسم فندرسکی است. که احوالش در تذکره‌ها مذکور نیست، داستان خلافت حضرت امیرالمؤمنین امام المتقین شاه اولیا علیه السلام را به سلک نظم درآورد.»^۳

و بعد از این، بعضی نظر خلاصه الکلام را مطرح کرده‌اند مانند مرحوم گلچین معانی در تذکره پیمانیه^۴ و حماسه‌های دینی^۵ و بعضی هم مانند مرحوم آقا بزرگ تهرانی^۶ و صاحب ریحانه ادب^۷ نظر ریاض العلماء را پذیرفته‌اند یعنی میرزا ابوطالب را نوه میرزا ابوالقاسم فندرسکی، حکیم مشهور دوره صفویه، معرفی کرده‌اند. و در فرهنگ سخنوران خیام‌پور، وی، فرزند میرفندرسکی بزرگ (ابوالقاسم) معرفی شده است؛ که صحیح نیست.

اما نکته جالب توجه این است که میرزا ابوطالب در نسب نامه سادات فندرسک (مجموعه ۲۴۶۵ کتابخانه دانشگاه تهران) چنین معرفی شده است: میرزا ابوطالب بن جلال الدین میرزا بیک ابن میرزا شرف ابن امام موسی الکاظم و خود را با ۲۸ واسطه به این امام همام می‌رساند. (ن.ک. به پیوست ۱) می‌بینیم که نام پدر بزرگ او «ابوالقاسم» نیست اما چطور می‌توان از گفته میرزا عبدالله افندی که همدرس و همشهری ابوطالب بوده و هر دو در اصفهان پای درس علامه مجلسی می‌نشسته‌اند^۸ به راحتی

۱. فندرسک: آن قصبه ناحیه ای از نواحی استرآباد است و فاصله بین آنها ۱۲ فرسخ است. (ریاض، ج ۵، ص ۵۰۲. ----- دهستانی است از بخش رامیان، شهرستان گرگان که در شمال و مغرب رامیان است. (فرهنگ معین).

۲. ریاض العلماء، ج ۵، صص ۴۹۹-۵۰۱.

۳. تذکره خلاصه الکلام، جلد اول، ص ۹۱ کتاب [ص ۹۸ میکروفیلم (عکس)].

۴. تذکره پیمانیه، ص ۳۵.

۵. حماسه های دینی، جلد هفتم فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی، ص ۳۱۴.

۶. الذریعه، ج ۱۳ (شرح التذکره النصیریة) و طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۳۹۱

۷. ریحانه الادب، ج ۴، ص ۳۶۰.

۸. ریحانه الادب، ج ۴، ص ۳۶۰.

میرزا ابوطالب فندرسکی، عالم و ادیب پرکار صفویه/ علیرضا عبدالهی کچوسنگی

بگذریم و آن را نادرست بینگاریم. او در ریاض العلماء در ذیل معرفی میرزا ابوالقاسم فندرسکی می‌گوید: «برای این سید [ابوالقاسم فندرسکی] در عصر ما سبیطی است که نام او میرزا ابوطالب بن میرزا بیک فندرسکی است و او هم از جمله ارباب فضل است...^۱ می‌بینیم که صاحب ریاض العلماء او را نوه ابوالقاسم فندرسکی می‌داند ولی خود ابوطالب، نام پدر بزرگش را «میرزا شرف» ذکر می‌کند؛ این دوگانگی را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

شاید بهترین جواب همان حرفی است که استاد عبدالحسین حائری بیان کرده اند: «میرزا ابوطالب، دختر زاده میرزا ابوالقاسم فندرسکی است»^۲.

و گفته صاحب تذکره خلاصه الکلام نیز جای تأمل و تردید دارد. زیرا تاریخ تالیف کتاب بیش از نیم قرن پس از دوران ابوطالب است و آن هم در سرزمینی بسیار دور از اصفهان یعنی بنارس هندوستان، بنابراین مؤلف کتاب چندان نمی‌توانسته از اوضاع و احوال رجال این شهر اطلاع دقیقی داشته باشد و در نتیجه شناخت کاملی از میرزا ابوطالب فندرسکی و آثارش نداشته و تنها مثنوی غزوات حیدری او را می‌شناخته و در تذکره خود معرفی کرده است.

قابل ذکر است که مرحوم آقا بزرگ در جلد چهارم الذریعه در ذیل شماره ۴۹۲ میفرمایند:

«به گمان من مادرش دختر سید امیرابوالفتح مشهور به میر میران ابن میرابوالقاسم فندرسکی باشد.» ولی در طبقات اعلام الشیعه این احتمال را رد می‌کند و می‌گوید: «احتمال نمی‌رود این امیر ابوالفتح پدر مادر صاحب الترجمه و پسر میر فندرسکی باشد»^۳.

به هرحال از این اقوال آنچه به نظر صحیح می‌رسد همان است که بیان شد. یعنی: میرزا ابوطالب فندرسکی دختر زاده (نوه دختری) میرزا ابوالقاسم فندرسکی است. اما مسئله تأمل آور این است که ابوطالب در آثار خود نامی از ابوالقاسم میرفندرسکی (پدر بزرگش) نبرده است. تا آنجا که این حقیر آثار ابوطالب فندرسکی را مطالعه کرده است. او در همه جا به پدر خود (میرزا بیک) افتخار کرده است و او را حکیم و فاضل معرفی کرده و اشاره‌ای به پدر بزرگ خود نکرده است. مثلاً در انشای نوادر الجواهر که بعداً معرفی خواهد شد در وصف پدر خود می‌گوید:

به غور معانی فلاطون نشان
به طبع سلیمش هزار آفرین
به تعبیر مطلب ارسطو بیان
کزو فندرسک است یونان زمین
فلاطون ز شادی نمی‌شده به خواب
گرش میرزا بیک می‌شد خطاب^(۱)

یا در تحفه العالم می‌گوید:

۱. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۵۰۰.

۲. فهرست نسخ خطی مجلس، جلد ۱۹، ص ۲۷۴.

۳. جلد ۶، ص ۳۹۱.

چنین گفت نام گرامی پدر بود از بزرگان اهل هنر
ارسطو به دانش نمودی تمام گرش میرزا بیک می‌بود نام^(۱)

در مورد زندگی این شاعر و منشی دوره صفویه اطلاعات زیادی موجود نیست. و با اینکه از دودمان بزرگی بوده و از عالمان دربار صفویه است، اما تذکره‌نویسان به او نپرداخته‌اند و حتی میرزا طاهر نصر آبادی با آنکه معاصر و همشهری او نیز بوده در تذکره خود از او نام نبرده است.^۱

آنچه می‌توان از زندگی ابوطالب در آثارش به دست آورد این است که: اجداد او جزء سادات و علویانی بوده‌اند که در قرون سوم و چهارم هجری وارد ایران شده و در خطه طبرستان و گرگان ساکن شده‌اند؛ و از نظر معیشتی در رفاه بوده و دارای آب و ملکی بوده‌اند و به خاطر سیادت خود مورد احترام مردم منطقه قرار داشته‌اند، در این رابطه میرزا ابوطالب در مورد املاک و عایدات پدرش در انشای «نوادرالجواهر» می‌گوید: «املاکی که بعد از پنج صلب از ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهم السلام نسلماً بعد نسل به میراث انتقال یافته و همواره فیما بین ورثه به قانون شرع انور قسمت می‌پذیرفته، حاصل آنچه امروز مختص اوست، هر ساله از پانصد تومان شاهی افزون و قرض از سه هزار تومان متجاوز است.»^۲

و در جای دیگر در مورد پدرش می‌گوید:

« در کار فرمودن شمشیر و انداختن تیر مصدر دواهی غریب شده... صیت این خبر در اطراف منتشر گشته، خوانین جرجان و دارایان حدود طبرستان از خدمت خدایگان التماس مشاهده آن شمشیر نمودند.» (همانجا)

و باز در مورد فضل و کمالات و بخشندگی پدرش در «نوادرالجواهر» می‌گوید:

فروزنده نجمی بر اوج کمال درخشنده درّی ز درج جلال
به دریای خوش طینتی، درّ ناب به چرخ فلک رفعتی، آفتاب...
دلش زنده رود است و دستش سحاب کفش ابر نیسان، رخس آفتاب

و احتمالاً بعداً ابوطالب به همراه پدر یا پدر بزرگش به اصفهان آمده و در همین شهر تحصیل کرده و به دربار صفویان راه پیدا کرده است.

به هر حال او معاصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ ق) می‌باشد و بیشتر آثار خود را به این پادشاه تقدیم کرده است و تنها یک اثر خود را یعنی تحفة العالم را که در سالهای ۱۱۰۶ تا ۱۱۰۷ ق به رشته

۱. تذکره پیمانه، ص ۳۶/ جلد هفتم فهرست کتب خطی آستان قدس (حماسه های دینی) پاورقی ص ۳۱۴.

۲. «نسخه خطی» از مجموعه ۲۵۹۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۱۲۶.

تحریر درآمده به سلطان حسین صفوی تقدیم داشته است. و این آخرین تاریخ به دست آمده درباره ابوطالب می باشد که در آن تاریخ زنده بوده است یعنی سال ۱۱۰۷ ق. و آنچه استاد گلچین معانی در مورد زنده بودن ابوطالب تا تاریخ ۱۱۲۴ ق. بیان میکنند؛ نمی تواند صحیح باشد چون استناد ایشان به مطلبی است که محمد باقر سبزواری (صاحب کفایه) در مورد میرزا ابوطالب فندرسکی نوشته است (جنگ ۴۴۹۴ کتابخانه آستان قدس رضوی، ص ۱۷۶). در حاشیه این صفحه، مرقومه‌ای از محقق سبزواری است که به نظر مرحوم گلچین معانی تاریخ نگارش آن ۱۱۲۴ ق. است ولی به نظر می رسد که تاریخ صحیح آن محرم ۱۰۷۴ ق. باشد چون محمد باقر سبزواری در سال ۱۰۹۰ ق. در اصفهان در گذشته است^۱ و نمی توانسته در تاریخ ۱۱۲۴ ق. برای شاگردش، ابوطالب، مطلبی نوشته باشد. (ن.ک. به پیوست ۲)

میرزا ابوطالب فندرسکی از علمای پرکار صفویه است که ظاهراً دوران علمی و شکوفایی آثارش از دهه هفتم قرن یازدهم شروع می شود و تا اوایل قرن دوازدهم می رسد. همانطور که قبلاً گفته شد آخرین اثر وی ظاهراً «تحفة العالم» است که تاریخ دو سال ابتدایی سلطنت «سلطان حسین صفوی» را شامل می شود. در آنجا چنین آمده است:

«از ابتدای جلوس بر تخت فلک رخت شاهنشاهی تا حال که قریب دو سال است هیچ خاطری را نخسته و هیچ دلی را نشکسته‌اند و این از آن راه است که نمی خواهند خلاف شرع معمول دارند.»^۲
با توجه به این مطلب که آغاز پادشاهی سلطان حسین (۱۱۰۵ ق) بوده است پس تاریخ تالیف این کتاب ۱۱۰۷ ق. می شود و این آخرین تاریخی بود که از میرزا ابوطالب فندرسکی به دست آمد.

اما تاریخ‌های دیگری هم برای زنده بودن ابوطالب بیان شده است. از جمله استاد احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی بیان می کنند: «ابوطالب فندرسکی اصفهانی به روزگار شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) می زیسته و در ۱۱۲۴ زنده بوده است.» (منزوی، ۱۳۵۱، ج ۴، ص ۲۷۷۴) احتمالاً ایشان این تاریخ را از مطلب استاد گلچین معانی، نقل کرده‌اند؛ که نادرستی آن در سطور بالا بیان شد. و بعضی مانند مرحوم آقا بزرگ سال ۱۱۰۰ ق. را برای زنده بودن ابوطالب بیان کرده‌اند (طبقات اعلام الشیعه، ج ۶، ص ۳۹۱) و گفته می شود میرزا ابوطالب پس از مرگش در کنار پدر بزرگش در مقبره میر فندرسکی تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.^۳

میرزا ابوطالب فندرسکی شاگرد کسانی چون علامه مجلسی (م ۱۱۱۰) آقا حسین محقق خوانساری (م ۱۰۹۸) و محمد باقر محقق سبزواری (م ۱۰۹۰) است.^۴

در مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۲ شماره ۷۸۹ اجازه نامه‌ای از علامه مجلسی برای میرزا ابوطالب

۱. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۴۵ / روضات الجنات، ج ۲، ش ۱۴۱.

۲. نسخه خطی» از مجموعه ۲۴۶۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۲۳۹.

۳. الذریعه، ج ۴، ش ۴۹۲ / رجال اصفهان، ص ۲۰۶ / تذکره القبور، ج ۱، ص ۷۸.

۴. تلامذه العلامه المجلسی، ص ۱۵ / اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۵.

میرزا ابوطالب فندرسکی، عالم و ادیب پرکار صفویه / علیرضا عبدالهی کچوسنگی

فندرسکی موجود است که در آن ستایش بسیار از ابوطالب شده است و تاریخ آن ۲۴ ربیع الاول ۱۱۰۲ است.^۱

و از محمد باقر سبزواری نیز مطلبی درباره شاکردش موجود است که به آن اشاره شد. اما در میان استادان خویش، ابوطالب احترام و علاقه خاصی به آقا حسین خوانساری دارد و این مطلب را بارها در رساله بیان بدیع اظهار کرده است. برای نمونه:

« چنان که جناب گردون مآب عالی حضرت استادم، آقا حسین خوانساری، ادام الله ظلالة حسب استدعای این ضعیف در ابتدای ساقی نامه او گوید:

ثنا ایزدی را که از نور پاک شراب روان ریخت درجام خاک^(۳)

و در جای دیگر می گوید:

چنانکه جناب حضرت استاد المحققین، اعتضادالملة و الدین آقا حسین خوانساری در مکتوبی که حسب الاشارة اعلیحضرت صاحبقران، از جانب اعتمادالدوله ایران، به شریف مکة معظمه نوشته... (رساله بیان بدیع، ص ۱۵۱)

آثار و تالیفات ابوطالب:

لازم به ذکر است در منابع تاریخ ادبیاتی که داریم آثار میرزا ابوطالب به طور ناقص و گاه با اشتباهاتی در نام اثر، موضوع اثر و یا عنوان یک اثر با دو نام یا بالعکس بیان شده است. در میان این منابع، قدیمی ترین و کامل ترین آنها "ریاض العلماء" میرزا عبدالله افندی است، که تنها چهارده اثر ابوطالب را معرفی می کند، یعنی: المنتهی فی النحو، حاشیه علی تفسیر البیضاوی، توضیح المطالب، حاشیه علی اصول الکافی، حاشیه علی شرح اللمعه، حاشیه علی حاشیه الخفزی علی الالهیات، الحاشیه علی معالم الاصول للشیخ حسن، شرح علی شافیه ابن الحاجب، رساله البیان البدیع، رساله مجمع البحرین، ترجمه شرح اللمعه، نگارخانه چین، غزوات حیدری، سامی [ساقی] نامه (ج ۵، ص ۵۰۰)

و دو اثر دیگر در «الذریعه» به این مجموعه اضافه شده است؛ یکی دیوان شعر (ج ۹، شماره ۲۴۲) و دیگری الحاشیه علی التکمله فی الشرح التذکره النصیری (ج ۶، شماره ۲۲۹)

و سایر منابع نیز همین آثار را به صورت کامل یا ناقص بیان کرده اند^۲

آنچه نگارنده در اینجا به عنوان ۲۷ اثر از میرزا ابوطالب نام برده، برای اولین بار است که بدین شکل مطرح می گردد.

۱. به نقل از رساله بیان بدیع، صص ۲۱-۲۴.

۲. طبقات اعلام الشیعه (ج ۶، صص ۳۹۱ و ۳۹۲) - ریحانه الادب (ج ۴، ص ۳۶۰) - اعیان الشیعه (ج ۲، ص ۳۶۵) - دائره المعارف الشیعه تذکره پیمان (ص ۳۶) - تذکره القبور (ص ۷۸) - اعلام اصفهان (ج ۱، صص ۲۸۸ و ۲۸۹) - تلامذه العلامه المجلسی (صص ۱۵ و ۱۴) اثر آفرینان (ج ۱، صص ۲۷۱ و ۲۷۲).

ابتدا آثاری که ابوطالب خود به آنها در کتاب بیان بدیع اشاره کرده است:

۱- غزوات: مثنوی است به وزن شاهنامه در بحر متقارب حدود پنج هزار بیت، در مورد خلافت مولای متقیان و جنگ‌های ایشان تا زمان شهادت آن حضرت در مسجد کوفه. در تمام تذکره‌ها، تراجم و فهارس نسخ خطی این منظومه به عنوان تکمله حیدری باذل معرفی شده است. حال آن که این منظومه، کتابی مستقل بوده است که سال‌ها قبل از اثر باذل سروده شده است. و ما این موضوع را به صورت مقاله‌ای جداگانه مورد بررسی قرار داده‌ایم.^۱

دو نسخه مستقل از این اثر (غزوات) وجود دارد که کامل است و خطبه ابتدای کتاب به نام شاه سلیمان صفوی را هم دارد ولی با عنوان جذبه حیدری معرفی شده اند: نسخه ۲۸۷۳، کتابخانه دانشگاه تهران و نسخه ۷۹۹۸ کتابخانه مجلس و سایر نسخه‌ها به عنوان تکمله حیدری باذل با نام تکمله نجف (میر فندرسکی) معرفی شده‌اند.^۲

آغاز:

به نام خدا می‌کنم حمد ادا چه نام بزرگ است نام خدا

انجام:

تویی مصدر هرچه دارد وجود تویی مظهر هرچه دارد نمود

۲- **ساقی نامه**: مثنوی است در حدود ۱۰۵۰ بیت که نسخه‌ای از آن به شماره ۲۶۶۶/۹ در کتابخانه مجلس موجود است. این منظومه نیز که بر وزن شاهنامه است در کتاب بیان بدیع ۳۵ بار از این مثنوی نام برده می‌شود و ابیاتی از آن به عنوان شاهد مثال آورده شده است. سرآغاز:

ثنا ایزدی را که از نور پاک شراب روان ریخت در جام خاک

لازم به ذکر است آنچه به عنوان منظومه «سامی نامه» در ریاض العلماء و ریحانه الادب نام برده شده، همین «ساقی نامه» است که تصحیف شده است.

۳- **مثنوی نگار خانه چین**: منظومه‌ای به وزن مثنوی معنوی در بحر رمل است که دیباچه‌ای منثور دارد و مرحوم گلچین معانی و استاد دانش پژوه گزارش می‌کنند که در سفینه رفیع الدین محمد رافع (نوشته شده در میان سالهای ۱۰۷۸ تا ۱۰۸۴) مسطور است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرحوم عبدالحسین بیات گزارش شده است.^۳ (صص ۱۵ تا ۱۸ همان سفینه)

در کتاب بیان بدیع ۹ بار از این اثر نام برده شده و ابیاتی به عنوان شاهد مثال آمده است، برای نمونه:

۱. نگاه کنید به مقاله: «وصله جور: منظومه غزوات اثری مستقل یا تکمله حیدری» اثر مؤلف.

۲. ادبیات فارسی بر مبنای تالیف استوری، صص ۸۴۴-۸۴۶.

۳. نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر ۶، ص ۱۱۰ / حماسه های دینی، ص ۳۱۵.

گفت ای از طره ام شوریده حال بر سر آتش ز رویم هم چو خال

(بیان بدیع ، ص ۳۲)

لازم به ذکر است آن چه در مورد این اثر در «ریاض العلماء» آمده مبنی بر این که رساله‌های است حاوی تمامی مکاتیب و انشآت ابوطالب به فارسی و عربی، درست نیست. همین مطلب در ریحانه الادب و الذریعه نیز نقل شده است.^۱

۴- **مثنوی بهارستان خیال**: مثنوی است به وزن لیلی و مجنون نظامی و در بحر هزج، در کتاب بیان بدیع ۵ بار از این منظومه نام برده شده است که برای نمونه بیتی از آن را می آوریم:

یاقوت لبش به خط ریحان پروانه نویس غارت جان

(بیان بدیع ، ص ۴۸)

۵- **رساله بیان بدیع**: در مورد علم بیان (تشبیه ، استعاره و کنایه) و علم بدیع (محسنات کلام) است. این کتاب توسط خانم سیده مریم روضاتیان در سال ۱۳۸۱ تصحیح و چاپ شده است.^۲ آنچه استاد گلچین معانی به عنوان دو کتاب مختلف از آثار ابوطالب نام برده، در اصل دو نسخه مختلف از همین کتاب است. یعنی نسخه: ۱۶۸۵ کتابخانه ملک و نسخه ۵۹۸۰ کتابخانه مجلس.

۶- **تقویم**: دو بار از این کتاب در رساله بیان بدیع یاد شده است: الف) «از نثر فارسی هم چنانکه این ضعیف در دیباچه تقویم گوید: شهاب ناوک، بدر سپر، مجرّه شمشیر، تریا ششپیر» (بیان بدیع ، ص ۱۴۷)
ب) و چنانکه از دیباچه تقویم گوید: «الحمد لله الحكيم العليم، الذي خلق الإنسان في أحسن تقويم.» (همان ، ص ۲۰۴)

منشآت

۷- **نوادر الجواهر**: این اثر در مجموعه شماره ۲۵۹۱ کتابخانه دانشگاه تهران از صفحه ۱۲۶ تا ۱۳۵ یافته شد. در وصف پدر و خاندان خویش و املاک و دارایی‌شان در دشت گرگان، دو بار از این اثر در کتاب بیان بدیع نام برده شده است. آغاز:

نوادر الجواهر هر چند سزاوار ذات کامل الصفات جناب مقدس الهی را در رشته سطر کشید...

۸- **بهارستان اقبال**: انشای دیگری است در وصف عمارت و باغ گل تپه اصفهان، مسطور در سفینه رفیع الدین رافع (ص ۱۶) در کتاب بیان بدیع ۳ بار از آن نام برده شده است. نمونه نثر:
« به شستن غبار سحر از راه تماشا بیا بچمن، قطرات ژاله گلاب افشان، و از تاب نگاه گرم نظار گیان

۱. ریحانه الادب، ج ۴، ص ۳۶۰ / الذریعه، ج ۲۴ شماره ۱۶۰۶ / الذریعه، ج ۱۹، شماره ۱۴۲۸.

۲. انتشارات: دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه اصفهان.

میرزا ابوطالب فندرسکی، عالم و ادیب پرکار صفویه/ علیرضا عبدالهی کچوسنگی

بر گلبرگ عارض نازنینان گلشن، نفحات صبا مروحه جنبان» (بیان بدیع ، ص ۱۵۰)
۹- **صیدگاه:** مسطور در سفینه رفیع الدین رافع (ص ۱۹) در کتاب بیان بدیع یک بار به آن اشاره شده :
به شکفتگی گل های رنگین، مطبق زمین ، دیبای چمن و به رنگ آمیزی لاله نعمان، دشت مازندران
، کوه بدخشان (همان ، ص ۱۴۹)
۱۰- **هفت کوب:** انشایی دیگر از ابوطالب، یک بار در کتاب بیان بدیع به آن اشاره شده است .
نمونه نثر :

اگر آفتاب است، نانش گرم از شعله همت اوست وگر ماه، کاسه اش پر از دریوزه نعمت او.
(همان ، ص ۱۶۳)

۱۱- **گلستان:** انشای دیگری است مسطور در سفینه رفیع الدین رافع (ص ۲۳)
۱۲- دو نمونه از منشآت او در جنگ ۴۴۹۴ کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است، صفحه ۱۸۵ به
فارسی و صفحه ۱۸۶ به عربی به خط صفی الدین بن فخر الدین الطریحی النجفی

تعلیقات:

۱۳- **حاشیه بر حاشیه خفری بر الهیات شرح تجرید:** در کتاب بیان بدیع ۵ بار نثر آن به عنوان
شاهد مثال آورده شده است، نمونه نثر:
«الحمد لله الذی تجرد عن الجوهریه و العرضیه بذاته و تفرد فی الهیات جلال صفاته.» (بیان بدیع
، ص ۲۰۴)

۱۴- **حاشیه بر تفسیر قاضی بیضاوی (انوار التنزیل):** در کتاب بیان بدیع ۵ بار نثر آن به عنوان
شاهد مثال آورده شده است.

نمونه نثر : «الحمد لله الذی نزل علی عبده الفرقان تبیاناً لكل شیء و ذکرى للعالمین.» (همانجا)
نسخه‌ای از این اثر در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی با کد ۱/۷۶ موجود است و شامل
سوره فاتحه تا اول بقره است.

۱۵- **شرح عوامل [ابن حاجب]** در علم نحو که ۲ بار در کتاب بیان بدیع از آن یاد شده است .

الحمد لله مبتداء كل شیء و فاعله و منشاء كل خیر و عامله . (بیان بدیع ، ص ۲۰۴)

۱۶- **حاشیه روضه البهیه (فی شرح اللمعه دمشقیه) یا شرح لمعه :**
نسخه‌ای از این اثر در مجموعه نسخه‌های خطی اهدایی آقای سید محمد مشکوه به دانشگاه تهران،
یافته شد به شماره ۸۷۴، کتابخانه دانشگاه تهران
شامل دیباچه و پاره ای از بخش طهارت است.

۱۷- **حاشیه بر تكملة خفری در شرح تذکره نصیریه :** در علم هیأت به نقل از الذریعه
(ج ۱۳ ، ش ۲۲۹) .

۱۸- **حاشیه بر اصول کافی کلینی :** به نقل از ریاض العلماء (ج ۵ ، ص ۵۰۰)

- ۱۹- حاشیه بر شافیه ابن حاجب (الشافیه الحاجبیه): در علم صرف به نقل از ریاض العلماء (همانجا)
- ۲۰- حاشیه بر معالم الاصول للشیخ حسن : در علم فقه به نقل از ریاض العلماء (همانجا)

آثار دیگر:

- ۲۱- تحفه العالم: در احوال شاه سلطان حسین صفوی که در سال ۱۱۰۷ ق. تالیف شده است. از این اثر یک نسخه در مجموعه ۲۴۶۵ کتابخانه دانشگاه تهران موجود است. و نسخه دیگر که به خط خود مؤلف (میرزا ابوطالب) است، در کتابخانه مجلس به شماره ۹۵۵۴ موجود است. این کتاب به کوشش و تصحیح رسول جعفریان در بهار ۱۳۸۸ چاپ شده است.^۱
- ۲۲- توضیح المطالب: شرح خلاصه الحساب شیخ بهاءالدین محمدعالمی (شیخ بهایی) است که به شاه سلیمان صفوی تقدیم شده است، این اثر به شماره ۶۲۹۳ در کتابخانه مجلس موجود است.
- ۲۳- المنتهی فی النحو: به نقل از ریاض العلماء (ج ۵، ص ۵۰۰) و طبقات اعلام الشیعه (ج ۶، ص ۳۹۲)
- ۲۴- رساله مجمع البحرین: به فارسی در علم عروض و قافیه اشعار عرب و فارسی (همان منابع)
- ۲۵- ترجمه شرح اللمعه به فارسی: (همان منابع)
- ۲۶- قطعه شعری مسمط گونه: در مجموعه ۱۳۴۳۳/۳ کتابخانه مجلس، صص ۴۹ و ۵۰ با عنوان «بحر چهار پاره» نمونه شعر:

قد است یا سرو چمن،
خط است یا مشک ختن،
رخسار یا برگ سمن،
سیماب یا سیمین تن است.

- ۲۶- دیوان اشعار: اشاره شده در جلد نهم الذریعه (شماره ۲۴۲) با توجه به کتاب بیان بدیع این دیوان شامل اشعار فارسی و عربی ابوطالب می‌شده است. به عنوان مثال، رباعی:

هر کس که اسیر او نگشت آزاد است
ساقی قدحی که دهر بی بنیاد است
این هفت حباب نیلگون گرد هوا
در دیده حقیبن گرهی بر باد است

(بیان بدیع ، ص ۶۲)

قصیده به فارسی:

۱. انتشارات: مرکز پژوهشی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

میرزا ابوطالب فندرسکی، عالم و ادیب پرکار صفویه/ علیرضا عبدالهی کچوسنگی

روح به عالم دمید باز مسیحا نفس موسی عمران صبح شد ید بیضا نما
(همان ، ص ۱۹۶)
قصیده لامیه در وصف حضرت علی:
له طلعه للشمس فیہ مظاهر له راحه للبحر فیها مسائل
(همانجا)

پی نوشت‌ها:

- ۱- "نسخه خطی" از مجموعه ۲۵۹۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۱۲۶.
- ۲- "نسخه خطی" از مجموعه ۲۴۶۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۲۱۷.
- ۳- رساله بیان بدیع ، صص ۲۰۳ و ۲۰۴.

منابع:

- ۱- استوری، ادبیات فارسی بر مبنای تالیف استوری ، ترجمه یو.ا. برگل، مترجمان: یحیی آرین پور ، سیروس ایزدی، کریم کشاورز ، تحریر: احمد منزوی ، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، تهران ، ۱۳۶۲.
 - ۲- افندی الاصبهانی ، المیرزا عبدالله ، ریاض العلماء ، تحقیق: السید احمد الحسینی ، مکتبه آیه الله المرعشی العامه ، قم ، ۱۴۰۳ هـ.ق.
 - ۳- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن ، الذریعه الی تصانیف الشیعه ، مؤسسه اسماعیلیان ، قم ، ۱۴۰۸ هـ.ق.
 - ۴- طبقات اعلام الشیعه (فی قرن الثانی بعد العشره) ، چاپ اول ، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
 - ۵- الامین الحسینی ، السید محسن ، اعیان الشیعه ، الجزء الثاني، دائره المعارف للمطبوعات ، بیروت ، ۱۴۰۶ هـ.ق.
 - ۶- الحسینی ، السید احمد ، تلامذه العلامه المجلسی ، مکتبه آیه الله المرعشی ، قم ، ۱۴۱۰ هـ.ق .
 - ۷- حائری ، عبدالحسین ، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس ، ج ۱۹، تهران ، ۱۳۵۰ .
 - ۸- خلیل ، علی ابرا هیم خان ، تذکره خلاصه الکلام ، ج ۱، میکرو فیلم دانشگاه تهران از شماره ۲۵۲۷ تا ۲۵۳۶ .
- از روی نسخه بادلیان (آکسفورد) به شماره ۱۸۳.
- ۹- خوانساری ، میرزا محمد باقر ، روضات الجنات ، اسماعیلیان ، قم ۱۳۹۱ هـ.ق.

میرزا ابوطالب فندرسکی، عالم و ادیب پرکار صفویه / علیرضا عبدالهی کچوسنگی

- ۱۰- دانش پژوه، محمد تقی و ایرج افشار، **نشریه**، دفتر ششم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸.
- ۱۱- فندرسکی، میرزا ابوطالب، **رساله بیان بدیع**، به تصحیح سیده مریم روضاتیان، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، اصفهان، ۱۳۸۱.
- ۱۲- فندرسکی، میرزا ابوطالب، **توضیح المطالب «نسخه خطی»**، به شماره ۶۲۹۳ کتابخانه مجلس.
- ۱۳- _____، **نوادرالجواهر «نسخه خطی»**، از مجموعه ۲۵۹۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۱۴- _____، **تحفه العالم «نسخه خطی»**، از مجموعه ۲۴۶۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۱۵- گلچین معانی، احمد، **تذکره پیمانہ**، کتابخانه سنایی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۶- _____، **(حماسه های دینی) فهرست کتب خطی کتابخانه ی آستان قدس رضوی**، ج ۷، مشهد، ۱۳۴۶.
- ۱۸- مدرّس تبریزی، محمد علی، **ریحانه الادب**، ج ۴، چاپ دوم، کتاب فروشی خیام، ۱۳۶۹.
- ۱۹- منزوی، احمد، **فهرست نسخه های خطی فارسی**، ج ۴، موسسه فرهنگی منطقه ای، تهران، ۱۳۵۱.
- ۲۰- _____، **فهرست وارۀ کتاب های فارسی**، ج ۳، چاپ اول، انجمن آثار مفاخر، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۱- مهدوی، سید مصلح الدین، **تذکره القبور**، چاپ دوم، کتاب فروشی ثقفی اصفهان، ۱۳۴۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پیام بہارستان / ۲۰، س ۳، ش ۱۱۲ / تابستان ۱۳۹۰

پیوست ۱: «نسب نامچہ سادات فندرسک» از مجموعہ ۲۴۶۵ کتابخانہ دانشگاه تہران، ص ۲۷۸

دعای سید رضی صفت صورت و احوال بقا و جویبار حقیقی بود و این بر سر
 از ان لقب مکرور شد فادیکر بر سر منی نشانی است که در کتب
 بیان عقب سینه و کمر سینه است که در ان لقب با کمالی در ان
 سینه از ان زمان با ان لقب سینه رسد و غیره و این اولاً ثانیاً
 از علم بر سر ان سینه نام او بود و غیره و سید الان لا وجود الی الله
 البیرون المرفعی علم الفدرسی ان العین الی ان کما یولد و غیره و این
 فی الفصل و العلم ان من کمالی و سهرت الی بدو و وصف بعد و فانه ثانیاً
 تجدین من در و در و متصفاً تر و متصفاً تر و من الاموال و الاکتاب و غیره
 و وصف کما یقال له الثانی و وصف من کل شیء ثانیاً و غیره و ثانیاً
 سینه فیه اصل سینه ثانیاً و سینه کلام سینه سینه سینه و غیره
 تاریخ ولادت اولاد و سینه و غیره

تاریخ ولادت سید محمد	تاریخ ولادت سید علی	تاریخ ولادت سید احمد
سید محمد سن ۱۸۰۳	سید علی سن ۱۸۰۳	سید احمد سن ۱۸۰۳
تاریخ ولادت سید محمد	تاریخ ولادت سید علی	تاریخ ولادت سید احمد
سید محمد سن ۱۸۰۷	سید علی سن ۱۸۰۷	سید احمد سن ۱۸۰۷
تاریخ ولادت سید محمد	تاریخ ولادت سید علی	تاریخ ولادت سید احمد
سید محمد سن ۱۸۰۹	سید علی سن ۱۸۰۹	سید احمد سن ۱۸۰۹
تاریخ ولادت سید محمد	تاریخ ولادت سید علی	تاریخ ولادت سید احمد
سید محمد سن ۱۸۱۰	سید علی سن ۱۸۱۰	سید احمد سن ۱۸۱۰
تاریخ ولادت سید محمد	تاریخ ولادت سید علی	تاریخ ولادت سید احمد
سید محمد سن ۱۸۱۰	سید علی سن ۱۸۱۰	سید احمد سن ۱۸۱۰

پیام بهارستان / ۳، ش ۱۲ / تابستان ۱۳۹۰

ادامه پیوست: «نسب نامچه سادات فندرسک» از مجموعه ۲۴۶۵ کتابخانه دانشگاه تهران،

